

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش چهل و سوم

۰۳ جولای ۲۰۱۴

۸- تأسیس حکومت نوین دموکراسی توده نی

پس از شکست تعرض زمستانی دشمن، مبارزه رهائیبخش ملی در بهار ۱۹۴۴ به اعتلای جدیدی رسید. ابتکار عملیات از همان ماه مارچ به دست ارتش رهائیبخش ملی البانی افتاد. به موجب فرمان ستاد کل در تاریخ ۵ اپریل واحد ها و قسمت های پارتیزانی در همه جا به تعرض پرداختند. تقریباً کلیه مناطقی که در جنوب اشکومبینی واقع است آزاد شد و نهضت پارتیزانی در البانی مرکزی و شمالی نیرو گرفت. سپاهیان اشغالگر نازی و قوای ارتجاعی مجدداً مجبور شدند در سربازخانه های شهر ها و یا در استحکاماتی که در طول جاده های اصلی و در ساحل ساخته بودند موضع گیرند، و در آنجا در معرض تهدید مداوم جنجگویان ارتش رهائیبخش ملی قرار داشتند.

اعتلای پر جوش و خروش مبارزه رهائیبخش ملی در کشور باعث شد که بحران در صفوف دشمن به نهایت وخامت برسد. در صفوف سازمان ها و نیرو های مسلح ارتجاعی سراسیمگی افتاد. ژاندارم ها و بالیست ها گروه گروه پا به فرار نهادند.

در ماه می ۱۹۴۴ تعداد نفرات ارتش رهائیبخش ملی به ۳۵۰۰۰ نفر رسید. این ارتش کاملاً می توانست برای رهائی شهر ها و سراسر کشور به تعرض عمومی بپردازد.

این دورنما در اثر پیروزی های درخشان ارتش سرخ بر ارتش المان باز هم محسوس تر می شد. سپاهیان شوروی از جنوری ۱۹۴۴ در جبهه شرق به تعرض عظیمی دست زدند و بدون وقفه به سوی غرب پیش رفته در اپریل وارد رومانی گردیدند. به این طریق سپاهیان المان در بالکان در خطر محاصره قرار گرفتند.

کوشش برای برهم زدن مانور های جدید دشمن

دشمن در چنین وضع خطرناک و نگرانی آور در صدد بر آمد که از کلیه وسائل برای یافتن چاره و تغییر وضعیت به سود خود استفاده کند. دشمن امید زیاد به تعرض جدید و وسیعی بسته بود که فرماندهی المان به ضد ارتش رهائیبخش

ملی تدارک می دید. ارتجاع البانی نیز کلیه نیرو های خود را برای تدارک این عملیات که هیتلری ها می خواستند در اپریل شروع کنند بسیج کرده بود. اگر آنها موفق نشدند از آن جهت بود که ارتش رهاییبخش ملی در بهار به تعرض پرداخت و به این طریق حساب های آنها را به هم زد و نیز تلاش های مجدد آنها برای استخدام سربازان مزدور در اثر مخالفت مردم با شکست روبه رو شد.

در همین اثناء، خیانت پیشگان المانی به حيله بازی جدیدی دست زدند و کوشیدند که ائتلافی از ارتجاع یونان و البانی به وجود آورند که در آینده به اتحاد نظامی یونان - ترکیه - البانی مبدل شود. طبق نقشه های دشمن، نیرو های متحد این سه کشور می بایست در سرکوب جنبش رهاییبخش ملی در البانی و یونان به کار افتد. کوشش خیانت پیشگان در اثر نیروی مبارزه انقلابی خلق البانی در نطفه خفه شد.

تشبثات مرتجعان که می خواستند مردم را با اعلام پرجنجال برخی از تدابیر اقتصادی مانند «رفرم ارضی» و ایجاد «شرکت توسعه اقتصاد کشور» بفریبند به همین سرنوشت گرفتار آمد. طبق مواعید خیانت پیشگان، تدابیر مذکور می بایست حقوق دهقانان و کارگران را تأمین کند و عقب ماندگی اقتصادی کشور را که بنابر اظهارات آنها علت بحران وخیم البانی بود، بر اندازد! ولی این مواعید زیبا نمی توانست خلق البانی را بفریبد. خلق البانی ایمان یافته بود که فقط پیروزی بر فاشیسم و درهم شکستن کامل خیانت پیشگان به عملی ساختن آرزو ها و خواست های او امکان خواهد داد.

در چنین لحظات بحرانی وخیم، ارتجاع امپریالیستی انگلیس و امریکائی به کمک دشمنیاران البانی آمد. دولت انگلستان از اغراض خویش مبنی بر استقرار نظارت بر بالکان اعراض نکرده بود و اعتلای پر توان جنبش رهاییبخش ملی را مانع بزرگی بر سر راه اجرای این نقشه در البانی می دید. شورای عمومی رهائی ملی و ستاد کل ارتش رهاییبخش ملی، امر و نهی انگلیس و امریکا را رد کرده بودند و اینان فقط با تکیه بر مخالفان جنبش رهاییبخش ملی و با تضعیف هرچه بیشتر آن می توانستند به مقاصد امپریالیستی خود تحقق بخشند. پس فرماندهی انگلیس و امریکائی در مدیریت بر کمک خویش به نیرو های ارتجاعی «لگالیتی»، «بالی کمبتار» و بیرقداران خیانت پیشه و بر ارسال اسلحه و پوشاک برای آنها افزود. هیأت نظامی انگلستان کوشید تا ستاد کل ارتش رهاییبخش ملی البانی را قانع کند که از هر گونه حرکت سپاهیان به البانی شمالی خودداری ورزد، به این بهانه که البانی شمالی منطقه عمل «لگالیتی» است و چنین اقدامی ممکن است موجب تصادم گردد! دولت انگلستان در لندن به تلاش خویش برای تشکیل دولتی ارتجاعی در مهاجرت افزایش داد.

در بهار ۱۹۴۴ حزب کمونیست نظر داد که دورانی که کشور البانی از سر می گذراند در سرنوشت انقلاب توده ئی قطعیت دارد. در چنین شرایطی ضرورتاً می بایست بر هرگونه تشبث دشمن در این که وضع را به سود خود عوض کند خط بطلان کشید، می بایست کلیه نقشه های ارتجاع داخلی و خارجی را بر هم زد، می بایست تدابیر نظامی و سیاسی مقتضی اتخاذ کرد که رهائی کامل کشور و پیروزی انقلاب توده ئی را تأمین کند. کمیته مرکزی نظر داد که حلقه اساسی اجرای این هدف ها عبارتست از استوار ساختن و قانونی کردن قدرت شورا های رهاییبخش ملی به مثابه یگانه قدرت به حق خلق البانی، تأسیس حکومت نوین البانی با دولت دموکراتیک و ارتش منظم وی.

ادامه دارد...